

DARVAG

جوانان



داریا

June 2004 - Vol 7 - Nr 13

شماره ۱۳ - سال هفتم - ژوئن ۲۰۰۴

ویژه‌ی

کنگره‌ی

جهانی

کودگان

کارگر



قلم باید

در دست

کودگان باشد،

نه ابزار کار!

(اقبال مسیح)

جنبش لغو کار کودک، یک گام شاد و کودکانه به پیش

سوسن بهار

لغو کار کودک یک ضرورت است. صحبت از این ضرورت امروزه، نه تنها امر تلاش گران جنبش لغو کار کودک، بلکه جدل بین رایزن‌های ریز و درشت سرمایه داری هم هست. چرا که به لحاظ تئوریک ثابت شده است که کار کودک نه تنها به شدت فقر می‌افزاید، بلکه سطح دانش، تحصیل و تخصص را پایین می‌آورد و این به نوبه‌ی خود از بارآوری سرمایه می‌کاهد. در ثانی بسیار بیش از آن چه به کارگران کوچک مزدی پرداخت شود، هزینه می‌شود که ابعاد این کار پوشیده بماند. سال‌هاست که برای سرخ نگه داشتن این صورت، سرمایه داری به عوض سیلی زدن، سرخاب مالیده است.

بحث امروز بین متخصصین اقتصادی شرکت‌های بزرگ بین المللی، این است که کار کودک دارد به پدیده‌ای دست و پا گیر تبدیل می‌شود. دیگر نمی‌توان با سیلی این صورت را سرخ نگه داشت، نیلی شده و عیان است! مخارج اقتصادی و ضربه‌ی حیثیتی‌ای که این جامعه با برملا شدن راز کار کودک خورد، بسیار سنگین است. موازی با حرکات اعتراضی و تلاش‌های فرهنگی جنبش لغو کار کودک، صاحبان سرمایه و ارگان‌های ریز و درشت شان نیز جلسات و گفتگوهای زیادی داشته‌اند. بانک جهانی، شرکت‌های فراملیتی و سایرین، از سود کلانی که کار دست کوچولوها و پا کوچولوها برای سرمایه داران خرد و کلان به وجود می‌آورد، نمی‌توانند بگذرند؛ اما به این شکل بهره کشی هم نمی‌توانند بی سر و صدا ادامه دهند. علی‌رغم موفقیت نسبی سرمایه داری در بلا تغییر نمایاندن وضع موجود و به وجود آوردن جو یاس، بی تفاوتی و ناتوانی در اکثریت مزدبگیران و آحاد جامعه، خود او بیش از من و شما می‌داند که مردم، فاکتور مهمی‌اند. می‌داند که جنبش‌های اجتماعی اگر قوام یابند، بنیادش را زیر و زبر خواهند کرد، بنابراین، به افکار عمومی اهمیت می‌دهد، میلیاردها هزینه می‌کند که بهره کشی از انسان را مقبول جلوه دهد. تخدیر می‌کند، تبلیغ می‌کند، تئوری می‌بافد، هفت آسمان و دریا را به کار می‌گیرد، تا نه این که جنبش را بفروشد، بلکه بتواند صاحبان نیروی کار را در موقعیت فروشنده‌ی خاموش و ارزان باقی نگه دارد.

در دل چنین شرایطی، پا گرفتن، قدم برداشتن، و رژه رفتن جنبش لغو کار کودک، آن‌ها را به تصمیم گیری کشانده است، هیچ جنبش اجتماعی‌ای در طول دوره‌ی معاصر نتوانسته است، در عرض کمتر از

توضیح: عکس‌های روی جلد، تظاهرات کودکان و مدافعین الغای کار کودک در روز پایان گنگره را نشان می‌دهد.

داروک

نشریه کودکان و جوانان

سر دبیر: سوسن بهار

مدیر توزیع و آبونمان: گلنار احمدی

آدرس:

Darvag
Box 854
10137 Stockholm - Sweden

آدرس سایت الکترونیکی:

www.darvag.com

آدرس پست الکترونیکی:

suzanbahar@hotmail.com

شماره تلفن موبیل:

۸۹ ۲۹ ۲۰۴ - ۷۶ (۰۴۶)

جیروی پستی:

Postgiro: 92 31 914 - 4

ISSN: 2402 - 5914

قیمت تک‌شماره: معادل ۳۰ کرون سوئد

مطالب این شماره

- جنبش لغو کار کودک، سوسن بهار
یک گام شاد و کودکانه به پیش!
صفحه ۲
- کنگره‌ی جهانی کودکان کارگر، سوسن بهار
دادخواستی علیه نظام سرمایه داری و فراخوانی به بشريت
صفحه ۵
- قطع نامه‌ی پایانی کنگره‌ی جهانی کودکان کارگر
صفحه ۶
- گزارش کنگره‌ی جهانی کار کودک، شاپور شاهین پور
فلورانس ایتالیا،
صفحه ۱۰
- سوء قصد به جان «کای لایش ساتیراتی»
صفحه ۱۵
- گفتگوهای کوتاهی درباره‌ی کنگره‌ی جهانی کودکان کارگر، فلورانس ایتالیا،
صفحه ۱۶

محق است و راه گشا. این دل خوشی یعنی ما شدن من و تو. چیزی که من با چشمان خودم در طی این هفت سال آشنایی و همکاری با جنبش لغو کار کودک دیده‌ام. تا این جا، این دل خوشی نه تنها معقول است، بلکه لازم و ضروری است. اما در این جنبش هستند گرایشاتی که به همین حداقل‌ها دل خوش می‌دارند و با فرمول بندی‌هایی مثل: «مساله اساسا به فقر برمی‌گردد»، به کم رضایت می‌دهند. گویا همین الان و با تکیه بر بخش ناچیزی از امکانات موجود در جامعه نمی‌توان حتما فقر را ریشه کن کرد، انگار فقر مقوله‌ای ابدی و ازلی است و نمی‌توان به ساختار آن دست زد. به کم راضی بودن. در خود معنی درجا زدن و نهایتا پس رفتن را دارد و این معقول نیست. ویروس چشم داشت به بالا را به دنبال خود دارد و نهایتا، باعث تبدیل شدن این جنبش به زائده‌ی سیاست‌ها و موازین و راه‌حل‌های بالایی‌ها برای ساکت کردن مردم پایین دست می‌شود.

هر جنبش اجتماعی، با هر خواستگاهی، اصولا موجودیت و ادامه‌ی حیات‌اش در گرو فراتر رفتن از جایگاه کنونی‌اش است.

چرا یک گام به پیش؟

رژهی جهانی کودکان کارگر با خواست ممنوعیت کار پر مخاطره برای کودکان و آلت‌رناتیو تحصیل برای آن‌ها، حتما دایر شدن کلاس‌های سوادآموزی برای کودکان کارگر در محل کارشان (بخشا) به راه افتاد. «یونیسف» و سایر سازمان‌های مشابه نیز فراتر رفته و برنامه‌های آموزشی را منطبق با نیازهای کاری کودکان فرموله کردند، نه منطبق با استانداردهای بین‌المللی. بعد از گذشت چندین سال، این خواست به زیباترین بیانی - همان طور که در قطع نامه‌ی کودکان می‌بینید - به ممنوعیت کلیه‌ی اشکال کار کودک و جایگزینی آن با تحصیل رایگان، اجباری، و با کیفیت بالا تغییر یافته است. پر واضح است که خواست‌ها و تبیین‌های یک جنبش نه تنها معرف آن است، بلکه جوهر تداوم آن و حرکت پیشروانه‌اش را در خود دارد.

ضعف و کمبودها و هشدارها

چندگونگی و حضور گرایش‌های مختلف اجتماعی در جنبش لغو کار کودک و رژهی جهانی علیه کار کودکان، از همان ابتدا امری پذیرفته شده بود. تلاش گران این عرصه خارج از ملیت، زبان، و مذهب یا لایمذهبی، در زیر یک چتر گرد آمده بودند که به دنیای سرمایه اعتراض کنند و حق کودکان را طلب نمایند. تلاش گرایش‌های سوسیال دمکراتیک، سندیکالیستی و مذهبی، برای تبدیل کردن این حرکت به

پنج سال تصویب دو کنوانسیون را به سرمایه داری تحمیل کند: «کنوانسیون منع کار پر مخاطره‌ی کودک» و «کنوانسیون ۱۸۲ سازمان جهانی کار». اعلام روز دوازده ژوئن به نام «روز ممنوعیت کار کودک»، از طرف همین نهاد نیز یک عقب نشینی عملی در برابر یک جنبش اجتماعی و نشان دهنده‌ی حساسیت جامعه در برابر مقوله‌ی کار کودک است.

هرچند که هنوز بیش از نیمی از مردم جهان از این پدیده یا اطلاع ندارند، یا آن را طبیعی می‌پندارند و اعتراضی به آن ندارند، هرچند که ممکن است ظاهرا در آن ذینفع هم نباشند، اما خود پدیده‌ی شرافت، لطافت، صداقت، و سادگی کودکی آن چنان تاثر برانگیز است و باعث غلیان احساسات می‌شود، که به رشد جنبش لغو کار کودک کمک نموده است.

آیا می‌توان به این تغییرات جزئی دل خوش کرد؟

بله و نه! طبیعی است که صرف وضع قوانین و تصویب کنوانسیون‌ها، به معنی به اجرا در آمدن آن‌ها و یا کافی بودن شان نیست، اما همی ما می‌دانیم که قوانین هر جامعه‌ای در عین حال بیانگر ارزش‌های آن جامعه‌اند. و وجود قوانین، دست تلاش گران و کارگران فرهنگی را در پیگیری و تعقیب مساله باز می‌گذارد. ضامن اجرایی قوانین، زنده نگه داشتن جنبش‌های اجتماعی معین است. و پیش رفتن از قوانین موجود و وضع قوانین جدیدی که نقطه عزیمت شان آزادی انسان است، نه انقیاد او، بلکه پیروزی نهایی این جنبش‌هاست.

این دل خوشی تا چه حد معقول است؟

نکته‌ای که در شکل مبارزه و روحیه‌ی کارگران فرهنگی جنبش لغو کار کودک وجود دارد، سراسری بودن آن است و این که انگلیسی، ایتالیایی و ایرانی، سوئدی و آفریقایی، و هندی و پاکستانی نمی‌شناسد؛ شاد و امیدوار بودن و اطمینان به نیروی خویش داشتن آن است. علی‌رغم این که موضوع کار ما جزو غم‌انگیزترین و جانکاه‌ترین سوژه‌های اجتماعی است - این جا با بدن‌های زخمی سوخته، داغان شده، و درهم شکسته‌ی جگرگوشه‌های من و تو سر و کار داریم - اما توان مان را از طنین قدم‌های شاد و کودکانه و قلب‌های گرم‌شان، علی‌رغم سردی زمستان فقر و بردگی، می‌گیریم. این نکته‌ی مثبت، این اعتقاد به پیروزی، به جهان سرمایه داری و تلاش آن بی چون چرا نمایاندن وضع موجود، در برابر چشمان باز بشریت - هرچند خاموش - اعلان مصاف داده است.

این دل خوشی واقعی است، براننده‌ی انسانی است که بر محیط پیرامون خویش تاثیر می‌گذارد و به همین اعتبار

کرده است. به دلیل این که بهترین سوژه برای گرداندن کاسه‌ی گدایی، سوپ کلیسایی و دست ابولفضل در جام برنجی است. در برابر همه‌ی این‌ها، وظیفه‌ی خطیر بر دوش سوسیالیست‌ها و جنبش پیشرو کارگری است که با حضور فعال و صمیمی و غیر سکتاریستی‌شان این جنبش را به پیش ببرند. می‌توان با کارگر فرهنگی، با هر مرامی، و هر مذهبی، در یک جنبش ضد استثمار انسان، کار و فعالیت کرد، به شرط این که نقطه‌ی اشتراک تان لغو استثمار انسان باشد. تنها و تنها در این صورت است که می‌توان جلوی نفوذ این گرایش‌ها و نهایتاً، تحلیل و پس رفتن این جنبش را گرفت. یک جنبه‌ی مثبت دیگر جنبش لغو کار کودک، همین تکیه بر پایه‌ی‌ترین نقاط اشتراک و عدم تفرقه‌ها است.

چه می‌توان و چه باید کرد؟

حمایت مادی و معنوی از این جنبش، اولین قدم کمک به آن است. در اولین کنگره‌ی کودکان کارگر، ما از طرف «فصل نامه‌ی کودک و جوان داروگ» و «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»، در یک گروه سه نفره شرکت کردیم. من و آقایان صابر مهدیزاده و شاپور شاهین پور. آروز داشتیم که حداقل ده نفر می‌بودیم، اما از هیچ کجا بودجه‌ای برای این سفر دریافت نکردیم و جز مبلغ ۲۰۰ یورو کمک مالی با ارزش برخی از دوستان، که همین جا از آن‌ها تشکر می‌کنیم، منبع مالی دیگری در اختیار نداشتیم.

ما می‌خواستیم که کودکانی را با خود ببریم، اما نتوانستیم. برای حضور هر چه بیشتر در این حرکت‌ها، نیاز به هم یاری است. همه‌ی ما می‌دانیم که توان هر جنبش در میزان شرکت کنندگان در آن است. کودکان به حضور شما و پشتیبانی‌تان از آنان برای دست یابی به حقوق شان نیازمندند.

در این اجلاس‌ها شرکت کنید. به سهم خود هزینه‌ی سفر کودک و کودکان کارگری را متقبل شوید. یا کودکان خودتان را برای اعلام هم بستگی با دوستان کوچک و جوان کارگرشان راهی این اجلاس‌ها کنید. بگذارید پیام آوران این جنبش باشند. از کار کودک بگویید و به اطلاع همه برسانیدش. اطلاع یافتن، اولین قدم جذب شدن و نهایتاً، فعال شدن در این زمینه است.



زائده‌ی این گرایش‌ها از طرف اساسا اتحادیه‌های کارگری در اروپا - هرچند که در خود این جنبش نقش چندانی نداشتند، اما حضورشان تعیین کننده است - امری است که باید نسبت به آن هشدار داد، چرا؟ چون تاریخ مبارزه و زندگی این جنبش‌های اجتماعی نشان داده است که هر جا سر و کله‌ی این گرایش‌ها - که هر کدام به سهم خود سعی در غیر سیاسی کردن این حرکت‌ها را دارند - پیدا می‌شود، امر شکست و درجا زدن این حرکت‌های اعتراضی قطعی است. خاصیت ضد سرمایه داری جنبش لغو کار کودک را که از آن بگیرید، تبدیل به شیر بی یال و دم و اشکم کوچولویی می‌شود، که باید بر سر این میز مذاکره و آن میز مذاکره، بر سر این جزیی حق و آن خورده گشایش، چک و چانه‌ی کودکانه بزنند. واگذاشتن این جنبش به خود کودکان، و راه حل‌های پارلمانتاریستی - که در قطع نامه‌ی کودکان هم منعکس است - در اثر حضور این گرایش‌ها در این جنبش است. سندیکالیست‌ها امر دفاع از حقوق کودک را به خود او واگذار می‌کنند و نهایتاً به عنوان نیروی پشت جبهه از او حمایت می‌نمایند. غافل از این که مسئولیت کودکان اساسا به عهده جامعه است. این خاصیت سندیکالیسم است که در حرف رادیکال و در عمل لیبرال باشد.

عین همین برخورد را نسبت به امر حقوق زنان از جانب این‌ها بارها دیده‌ایم و می‌بینیم. آن‌ها حاضر نیستند بر سر حقوق کودکان و خواست لغو کار کودک سینه سپر کنند، بلکه به راحتی پشت میز مذاکره برای تخصیص بودجه جهت برگزاری کنگره‌های کودکان می‌نشینند. و این را لابد به حساب مبارزات جاری و صنفی می‌گذرانند. با ضد سرمایه نامیدن این جنبش‌ها، مثل غول در برابر بسم الله در می‌روند و پشت روزمرگی‌ها قایم می‌شوند. باز هم غافل از این که جاری‌ترین، روزانه‌ترین و ضروری و عاجل‌ترین راه رسیدن به خواست‌های صنفی، درگیری سیاسی با این نظام و نهایتاً، برچیدن این نظام بی لیاقت است.

اگر از دستور جلسه‌ی جنبش لغو کار کودک، خصلت ضد استثمار آن که با شیرین‌ترین لحنی توسط کودکان ادا می‌شود، خط بخورد، آن وقت باید پای میز مذاکره بر سر خواست‌های عاجل بنشینیم و شاهد تقلیل سن کودکی برای شامل بیمه شدن، پایین رفتن کیفیت آموزش، و منطبق شدن آن با نیازهای کاری کودکان کارگر و غیره باشیم. سوسیال دمکراسی هم با چوب تکفیر پارلمانتاریسم اش همه جا در بریدن سر رادیکالیسم ظاهر است. خواست «پارلمان کودکان» که در قطع نامه‌ی کودکان آمده است، نوبر باغ این گرایش است. مذهب هم به نوبه‌ی خود، برای این جنبش دندان تیز

کنگره جهانی کودکان کارگر،

دادخواستی علیه نظام سرمایه داری و فراخوانی به بشریت

جنبش لغو کار کودک

«گلوبال مارش» یا رژه جهانی علیه کار کودک، یکی از زنده ترین جنبش‌های اجتماعی موجود است. به همان نسبت که استثمار وحشیانه از بردگان ارزان در عرصه های اقتصادی بیشتر می‌شود، به همان نسبت که از حقوق و مزایای اجتماعی طبقه کارگر کاسته می‌گردد و کارگران بیشتر و بیشتر بیکار می‌شوند، به تعداد کودکان کارگر، از کارگران کوچک معادن و کارخانه های بزرگ صنعتی گرفته تا فروشندگان خیابانی، افزوده می‌گردد.

کودکان کارگر در طول این کنگره با بیانی روشن در توضیح وضعیت کار و زندگی‌شان، بارها و بارها بر این واقعیت تکان دهنده تاکید نمودند.

جنبش لغو کار کودک به مثابه یک جنبش عمیقا و تا مغز استخوان طبقاتی و به معنی یک جنبش وسیعا اجتماعی که گرایشات مختلف اجتماعی را در خود جای داده است، دوران حساسی از سرنوشت خود را طی می‌کند. این جنبش در غیاب یک حمایت رادیکال و سوسیالیستی در معرض خطر تبدیل به زاندهی برنامه های نیم بند و بی تاثیر خود مسبب فاجعهی کار کودک، مثل بسیاری از NGO های موجود، است. مسالهی کودکان یکی از حساس‌ترین و عاطفه برانگیزترین معضلات و پدیده های اجتماعی دنیای معاصر است و درست به همین دلیل از آن سوء استفاده‌های فراوانی صورت گرفته و می‌گیرد. کسانی که برای امر کودک تلاش می‌کنند، علی رغم دل سوزی و وابستگی عاطفی اکثریت مردم به این پدیده، متاسفانه زیاد نیستند. اما آنها که به نام کودکان از کودکان سوء استفاده می‌کنند، بی شمارند. فقط هم سرنوشتان این کارگران کوچک و بزرگان ارزان‌اند که می‌توانند و باید در صف مبارزه علیه کار کودک، پیشاپیش این خردسالان حرکت کنند: سوسیالیست‌ها، کارگران و جنبش کارگری.

طبعاً مقولهی کار کودک، اشک و رقت بسیاری از افراد را در می‌آورد، و انسان‌های شریف و آزادهی زیادی هم هستند که می‌خواهند به کودکان کمک کنند، اما در جنبش لغو کار کودک، این هم سرنوشتان کودکان هستند که بایستی سهم

اولین کنگره جهانی کار کودکان کارگر در روزهای ۱۳-۱۰ ماه مه در شهر فلورانس ایتالیا با شرکت ۲۵ کودک کارگر نماینده از کشورهای آفریقا، آمریکا، آمریکای لاتین و آسیا و ۱۴۷ کودک همراه - که در مجموع از ۵۰ کشور جهان گرد آمده بودند - برگزار شد. این کنگره تا آن جا که به بیان حق طلبانهی کودکان کارگر شرکت کننده در آن برمی‌گردد، بی شک یکی از شورانگیزترین تظاهرات کارگران و تهی دستان علیه برده داری سرمایه در جهان معاصر است.

پیشینه

مقولهی کار کودک و استثمار وحشیانهی کودکان و تراژدی کار کودکان، به دنبال حیات کوتاه و تلاش‌های پر ثمر «اقبال مسیح»، کودک کارگر ۱۲ ساله پاکستانی، و مرگ دلخراش وی به دست عوامل سرمایه در افکار عمومی بین المللی انعکاس یافت و برای اولین بار پرده از روی جنایتی که علیه اسپارتاکوس‌های کوچک قرن ما می‌رود، کنار کشیده شد. پروسه‌ای نه ساله از آن هنگام تا تشکیل این کنگره طی شده است، که رژه جهانی کودکان علیه کار بردگی و پر مخاطره در سال‌های ۹۸ و ۹۹، تصویب کنوانسیون منع کار پر مخاطرهی کودکان، سمینارها، کنفرانس‌ها، سازماندهی‌ها و تلاش‌های بی شمار دیگر از ویژگی‌های این حرکت‌اند.

شرکت کنندگان

در این کنگره، جدا از کودکان کارگر، کودکانی که برای امر هم سن و سالان شان تلاش و فعالیت می‌کنند نیز به منظور حمایت و همراهی آنان حضور داشتند. جدای از کودکان و سازمان‌های مدافع حقوق کودکان، نمایندگان یونسکو، یونیسف، سازمان جهانی کار، فدراسیون اتحادیه های آزاد، نمایندگان اتحادیه های کارگری، وزیران کشورهای مختلف، و نمایندهی بانک جهانی نیز به این کنگره به منظور پاسخ گویی به سئوالات کودکان دعوت شده بودند. سئوال‌های واقعی و محکم کودکان دربارهی علل وجود کار کودک و بی عملی این بزرگ ترها در این باره، شورانگیزترین و گرم ترین بخش این کنگره بود.

خانم نماینده‌ی بانک جهانی با سکوت و بیانات وزیر رفاه ایتالیا نیز با هو کردن و تمسخر و مهمهمی کنگره همراه بود.

آخرین کلام

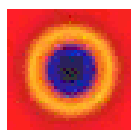
این کنگره نه تنها نشان دهنده‌ی واقعیت تلخ کار کودک بود، بلکه این حقیقت دلخراش را نیز در خود مستتر داشت که این کارگران کوچک و بردگان ارزان، نه تنها استثمار می‌شوند، بلکه مسئولیت دفاع از حقوق شان هم به عهده خودشان قرار گرفته است. و این خود نقض قرض است. در این جا منظور حرکت «گلوبال مارش» به عنوان یک ضرورت تاریخی نیست، بلکه رسمیت دادن به فعالیت کودک برای امر خویش از طرف سازمان‌ها و نهادهای ذیربط است. این جامعه‌ی بزرگ سال است که باید برای الغای کار کودکان بکوشد. این جامعه‌ی بزرگ سال است که مسئول و موظف است از کودکان نگه داری کند. گوش فرا دادن به نیازها و نظرات کودکان در زمینه‌های مربوط به آنها، با به کار گرفته شدن آنان حتا در زمینه‌ی مبارزه علیه کارشان فرق می‌کند. این جا هم فرهنگ بزرگ سال و جامعه‌ی پدرسالار، مثل قربانیان هر تبعیض و بی حقوقی دیگری در جامعه چون کارگران و زنان، مسئولیت تلاش را بر عهده‌ی خود قربانی گذاشته است. تبدیل کردن این کنگره‌ها به محلی برای ذکر مصیبت و تقاضا از دولت‌ها، در عوض شدت بخشیدن به توان این جنبش از پائین، خطری است که جنبش لغو کار کودک را تهدید می‌کند. با حضور فعال و زنده نگه داشتن این جنبش می‌توان به رفقای کارگر کوچک مان در امر مهم شان برای از بین بردن کار کودک کمک کرد و اجازه نداد که این حرکت به مجموعه‌ای از بحث‌های از بالا، و مجموعه‌ای از قرارها برای عمل نکردن، تبدیل شود.

«جمعیت الغای کار کودکان در ایران» به سهم خود از تمامی شما دعوت می‌کند که به این جنبش بپیوندید.

سوسن بهار

دبیر «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»

۲۰ مه ۲۰۰۴



بیشتری به عهده بگیرند و یا اصولاً ادای سهم کنند. نکته‌ی جالب این کنگره آن بود که کودکان در قطع نامی پایانی کنگره از حقوق کارگران صحبت می‌کنند و خواستار تشکل، بیمه و وسایل ایمنی محیط کار برای کارگران می‌شوند. اما متقابلاً کمتر بخشی از جنبش کارگری، به مقوله‌ی کار کودک به عنوان یک جز، لایتجزای مبارزه برای دست یابی به حقوق و جلوگیری از اخراج و بیکاری خود، حرفی زده است.

فضای حاکم بر کنگره

کنگره‌ای که بخشی و بخش مهمی از موجودیت‌اش را مدیون زندگی و فعالیت اقبال مسیح و جنبه‌ی دلخراش و افشا کننده‌ی مرگ این نماینده‌ی صریح کودکان کارگر بود، حتا یادی از اقبال نکرد. انتظار من این بود که این کنگره با یک دقیقه سکوت به یاد اقبال برگزار می‌شد، نه از سر فرهنگ شهید پروری و قهرمان سازی مرسوم، بلکه به دلیل یادآوری عمق فاجعه و جنایات سرمایه داری و ضرورت حمایت و پشتیبانی از این بردگان خردسال.

از اقبال مسیح حرفی به میان نیامد، تا چهره‌ی بزرگ کرده‌ی نمایندگان دولت‌ها گرد نگیرد؛ تا جدی بودن و جنبه‌ی «جنگ رو در رو» داشتن این حرکت عیان نشود؛ تا جنبه‌ی مسیح وار سرمایه دار بخشنده و صدقه پرداز و مهربان دولت‌های نازنینی که می‌خواهند، اما گویا به دلیل مشکلات عدیده، توان ریشه کن کردن کار کودک را ندارند، برجسته شود! و مورد انتقاد بیش از این قرار نگیرند!

برخورد کشور میزبان، ایتالیا

دولت ایتالیا با عدم صدور ویزا برای ۲۵۰ کودک کارگر نماینده به بهانه‌ی «ریسک امنیتی داشتن حضور این کودکان برای دولت ایتالیا» و صدور ویزا فقط ۲۵ کودک نماینده از آسیا، آفریقا و آمریکای مرکزی، خود به خود ماهیت شرکت این نهادها و دولت‌ها را از یک طرف و جنبه‌ی جنگ و دادخواست واقعی حرکت کودکان علیه این نظام را از طرف دیگر بیان کرد.

سؤال‌های کودکان و جواب‌های نمایندگان دولت‌ها

و سازمان‌های جهانی

استدلال‌های صریح و کوبنده‌ی کودکان در مقابل طفره روی‌ها و توجیحات متعارف: کار کودک را مقوله‌ای فرهنگی خواندن و به سنت خانواده‌ها نسبت دادن، که از سوی میزگرد بزرگ ترها - که وزرا و نمایندگان رسمی کشورها بودند - مطرح می‌شد، افشاگرانه ترین و جالب ترین بخش کنگره بود. اشک‌های تمساح

قطع نامه‌ی پایانی کنگره‌ی جهانی کودکان کارگر فلورانس، ۱۳-۱۰ ماه مه ۲۰۰۴

Children,s World Congress on Child Labour Florence - Italy 10-13 May 2004

کار آن‌هاست. و این به نوبه‌ی خود بخش بسیار مهمی در زمینه‌ی حقوق پایه‌ای بشر است. ما باید از خودمان سؤال کنیم که چرا همه‌ی ما انسان‌ها از داشتن چنین حق اساسی‌ای (حقوق بشر) محروم هستیم؟

مقوله‌ی صلح نیز نقش موثری در دست یابی به حقوق انسانی دارد. زمانی که در صلح زندگی می‌کنیم، هر کودک نه تنها شانس بهتری برای رسیدن به حقوقش دارد، بلکه پتانسیل و توان بیشتری برای ساختن دنیای امروز و تحویل آن به نسل بعدی بشر را خواهد داشت.

وقتی که بحث درباره‌ی کار کودک را آغاز کردیم، متوجه شدیم که انواع مختلفی از کار کودک در گوشه و کنار جهان وجود دارد. ربوده شدن توسط باند‌های مواد مخدر، کار بردگی، حمل مواد مخدر، استثمار جنسی، در تجارت سکس، مزارع پنبه، کارخانه‌های بزرگ و کارگاه‌های کوچک، ماهیگیری، کار در کشتی، ماشین شویی در گاراژها، فروشندگی در خیابان یا بازار، حمل زباله، خشت زنی، حمل و نقل، راه سازی، ساختن ابزار پزشکی و جراحی، کار خانگی، سربازی اجباری، و بسیار مشاغل دیگر.

این کودکان هر روز مورد ظلم‌اند و کسی باید سخن گوی شان باشد. هنگامی برخی از مردم به ویژه دولت‌ها از این مساله اطلاع یافتند، آن را پنهان نمودند و چشم بر روی آن بستند. اما این بی توجهی هیچ تغییری در این فاکت زنده و عینی به وجود نمی‌آورد که کار کودک وجود دارد و باید فوراً در شکل پر مخاطره‌ی آن که به جسم و روح کودکان آسیب وارد می‌آورد، ممنوع گردد.

در طول کنگره بسیاری از کودکان اظهار نمودند که به دولت‌های شان باور ندارند، چرا که آن‌ها فقط قول‌های پوشالی می‌دهند. آن‌ها قول‌های زیادی برای ممنوعیت کار کودک و تحصیل اجباری و رایگان و رفاه اجتماعی مناسب داده‌اند، اما هرگز به قول‌های شان جامه‌ی عمل نپوشانده‌اند و کماکان بیشتر و بیشتر پول خرج تولید اسلحه می‌کنند؛ در حالی که بسیاری از کودکان جهان نمی‌توانند بخوانند و بنویسند،

ما کودکان شرکت کننده در اولین کنگره‌ی جهانی کودکان کارگر، علیه کار کودک، به ایتالیا آمده‌ایم. از گوشه‌های مختلف جهانیم، به زبان‌های متفاوتی صحبت می‌کنیم، در شرایط گوناگونی رشد کرده‌ایم، با فرهنگ‌های مختلف، و گذشته‌های متفاوتی هم داریم؛ اما در یک نقطه مشترکیم: «ما می‌دانیم که کار کودک باید از بین برود.»

کنگره‌ی ما موفق بود. هر چند که جای تعداد زیادی از نمایندگان مهم مان خالی بود. این کودکان ویزا دریافت نکردند، به این دلیل که دولت ایتالیا حضورشان را به لحاظ امنیتی ریسک می‌دانست. کودکانی که امکان حضور نیافتند، خود را به شدت مورد تبعیض قرار گرفته حس می‌کنند. همه‌ی ما جای آن‌ها و ابراز عقایدشان را در این کنگره خالی می‌دانیم. چرا که این کودکان از قسمتهایی از جهان قرار بود شرکت کنند که بیشترین تعداد کودک کارگر را دارند. در کنگره بعدی اما ما انتظار حضورشان را داریم و خواستار آن هستیم. چرا که صدای آنان بیانگر موقعیتشان است و باید به گوش جهانیان برسد.

برای شرکت در این کنگره، هر کشوری پروسه‌های متفاوتی را از سر گذراند و روش‌های مختلفی را برای انتخاب نمایندگان اتخاذ کرد. بسیاری از کودکان شرکت کننده خودشان کارگر بودند و یا در این باره تجربه‌ی کاری داشتند. کودکان دیگر هم در این باره شنیده و آموخته بودند و مبارزه علیه آن را در دستور خویش قرار داده بودند؛ با احساس مسئولیت و هدف از بین بردن این جنایت که علیه ۲۴۶ میلیون کودک در گوشه و کنار جهان صورت می‌گیرد.

همه‌ی ما کفایت و لیاقت شرکت در این کنگره را داشتیم و نقش فعال و موثری به عهده گرفتیم. به همین دلیل، مباحث این سه روزه بسیار بارور بود و این خود به دلیل فعالیت‌های مختلف و سهم به عهده گرفتن دیگرانی بود که می‌خواستند به ما نیرو و امکان این را بدهند که بر گرفتاری‌های مان فائق آئیم. قبل از این که بحث درباره‌ی کودک کارگر شروع شود، باید بدانیم که تنها راه دست یابی کودکان به حقوق شان ممنوعیت

قرار بدهند. دولت‌ها باید برای بزرگ ترها ایجاد شغل کنند، تا کودکان مجبور به کار نشوند. حقوق بزرگ ترها باید رعایت شود و به آن احترام گذاشته شود. تمامی کارگران جهان باید از حق تشکل کارگری و حق تجمع در محل کار بهرمنند شوند. چرا که این می‌تواند آن‌ها را از امکانات ایمنی محل کار برخوردار کند و از حق اشتغال شان محافظت نماید. والدین کارگر باید از حق بیمه برخوردار باشند، تا کودکان آن‌ها مجبور به کار نشوند. دولت‌ها باید یک برنامه‌ی ثابت برای متوقف کردن کار کودکان داشته باشند.

این نقشه عمل‌ها اما باید با نظرخواهی از کودکان همراه شود. دولت‌ها موظفاند که

بر پروسه‌ی صرف هزینه‌های منظور شده برای ایجاد امکانات رفاهی برای کودکان نظارت داشته باشند و اجازه ندهند که این امکانات در دست افراد ناباب قرار گیرد.

دولت‌ها باید روشی را اتخاذ کنند، تا بتوانند پروسه تولید را کنترل کنند و تشخیص بدهند که در این پروسه از کار کودک استفاده نشده باشد. دولت‌ها باید

نه فقط با هم، بلکه با مردم و اتحادیه‌های کارگری نیز در این زمینه همکاری داشته باشند، تا اقدامات آن‌ها تاثیرات بیشتری بگذارد. از طرف دیگر، جامعه‌ی انسانی باید از کار کودکان با خبر شود و به ما کمک کند که بر کار دولت‌ها نظارت کنیم و توسط آنان به کار گرفته نشویم. به این معنی، سازمان‌های غیر دولتی، ان. جی. او. ها، باید به طور مستقیم و غیر مستقیم برای کودکان کار و فعالیت کنند.

و این هم چنین وظیفه‌ی والدین است که به حرف کودکان گوش فرا دهند. کودکان به عشق و احترام و مراقبت نیازمندند. این امر بر عهده‌ی والدین قرار دارد که کودکان یک زندگی شاد و تشییت شده‌ی خانوادگی داشته باشند. والدین باید هم مسئولیت بپذیرند و هم حق رای داشته باشند. و وقتی که حق رای داشته باشند، باید سخن گوی کودکان باشند. همین طور

سرپناهی برای زندگی ندارند و شکم شان گرسنه و سفره‌ی شان خالی است. آن‌ها باید این چیزها را که اساسی‌ترین و ضروری‌ترین وسایل برای رسیدن ما به حقوق مان است در اختیار ما قرار دهند. این وظیفه‌ی دولت‌هاست که حقوق ما را رعایت کنند. متوقف کردن کار کودک و تحصیل اجباری و رایگان با کیفیت بالا.

ما گله‌ها و انتقادات زیادی از و به دولت‌های مان داریم. وقتی که ما صحبت از دولت‌ها می‌کنیم، منظورمان فقط دولت‌های کشورهای خودمان نیست، بلکه تمامی مسئولان دولتی در سطح بین‌المللی را مورد نظر داریم. تمامی این دولت‌ها در سطح

ملی و فرا ملی وظیفه دارند که حقوق ما را رعایت کنند. اولین و مهم‌ترین قدم در این راه این است که به حرف‌های ما گوش فرا دهند. باید در زمینه‌های مختلف تصمیم گیری کودکان را دخالت دهند. دولت‌ها باید برای کودکان فرصت‌هایی به وجود آورند که بتوانند رشد کنند. و موقعیت شان را تغییر دهند. برای این که کودکان همان قدر

آینده‌اند که حالاند و باید موقعیت امروزشان تشییت شود. دولت‌ها باید به کار گرفته شدن کودکان را جرم تلقی کنند، اما هرگز کودک را مجرم ندانند. کودکان قربانی کارند. آن‌ها باید کسانی را که کودکان را مورد سوءاستفاده قرار داده و به آن‌ها خشونت روا می‌دارند، مجازات و تنبیه کنند.

دولت‌ها باید قوانینی را که وضع کرده‌اند، رعایت کنند، اما قوانین جاری کافی نیستند و باید قوانین جدیدی وضع شوند. حقوق معلم‌ها باید بالا رود. معلم‌ها باید خود تحصیل کرده و دوره دیده باشند و کار آن‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. به این ترتیب، تحصیل اجباری و رایگان و با کیفیت بالا باید تمامی کودکان را جدا از جنسیت و نژاد و موقعیت اقتصادی، مذهب، محل تولد، شهروند بودن، قوم، ملیت و زبان شامل شود. همه‌ی کشورها باید مساله‌ی کار کودک را جزو مواد درسی



برخی از کودکان نماینده در حال استراحت در بیرون سالن کنگره

ارتباط مان را حفظ نموده از این طریق در سطح بین المللی مقوله‌ی کار کودک را منعکس کنیم.

فقط به وسیله همکاری ماست که ما می‌توانیم قدرت داشته باشیم و به کار کودک خاتمه دهیم. این شبکه می‌تواند از تمانی کودکان جهان تشکیل شده و همی آنها را در بر گیرد و داستان زندگی‌شان را در اختیار افکار عمومی قرار دهد. این شبکه می‌تواند به ما و کار پر دردمرمان علیه استثمار کودکان کمک‌های موثری بنماید. این شبکه هم چنین می‌تواند از اقدامات و یا عدم اقدام دولت‌ها، وفاداری آنها به تعهدات شان و یا پوشالی بودن قول و قرارهای شان، جامعه‌ی انسانی را مطلع سازد.

ما فکر می‌کنیم که این شبکه باید از هنرهایی مانند رقص و موسیقی و تئاتر برای انعکاس دادن وضعیت کودکان کارگر استفاده نماید. این یک روش است که به وسیله آن هم مقوله‌ی غم انگیز کار کودک به اطلاع افکار عمومی می‌رسد و هم علیه آن، نیرویی را جمع و متحد می‌کند.

ما باید علیه کار کودک در دهات و روستاها، آن جا که نیرویی برای مبارزه وجود ندارد یا قوی نیست، به فعالیت بپردازیم. اطلاع درباره‌ی کار کودک بعضا منحصر به مردم شهرها می‌شود و مردم دهات از خطرناک بودن کار برای کودکان اطلاع ندارند. ما باید آنان را به صحنه بکشانیم. ما قول می‌دهیم که فعالیت

برای از بین بردن کار کودک را ادامه دهیم و دنیای بهتری برای کودکان بسازیم. و حالا ما از همی شما می‌خواهیم که به ما به پیوندید، چرا که فقط با اتحاد می‌توانیم آزادی کامل را برای همه به دست آوریم. در این هم بستگی و دوستی می‌توان جهانی سالم‌تر و مسالمت آمیزتر برای همگان پی ریزی کرد. امروز قدرت در دست ماست. ما آینده را می‌سازیم.

ما «حالی» و صدای ما «آینده» است!

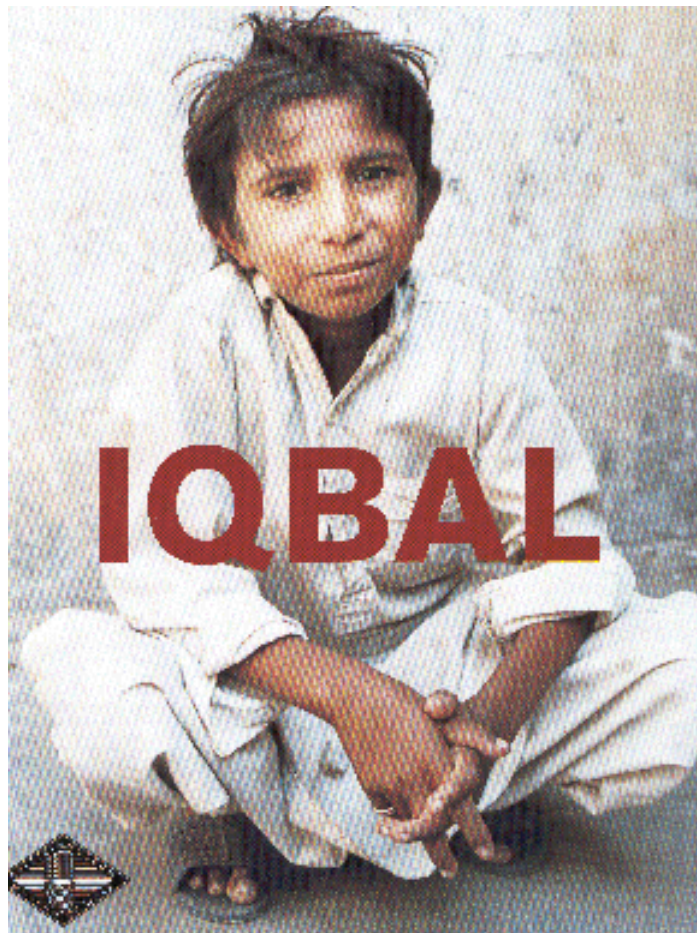
باید حق رای را برای کسانی که به حقوق کودکان احترام می‌گذارند هم قائل شد. وقتی که والدین به خواست‌های کودکان بی توجه‌اند و حقوق آنان را پایمال می‌کنند، دولت‌ها باید به نفع کودکان وارد عمل شوند. والدین باید به مقولاتی مانند استثمار جنسی کودکان و خشونت علیه آنان بپردازند و آنها را به بحث بگذارند؛ حتا اگر تخصص ویژه‌ای در این زمینه نداشته باشند. به این دلیل که این تنها راه اطلاع یافتن کودکان از حقوق طبیعی خود و سالم و محفوظ ماندن آنان است. والدین باید از مسایل مهم آموزشی کودکان و مشکلات جنسی آنان اطلاع داشته باشند و در رفع آنان بکوشند. والدین باید از مقوله‌ی کار کودک و ضایعات ناشی از آن که خود بزرگ سالان را هم در بر می‌گیرد، آگاهی یابند.

* * *

ما اکنون راه حل‌های مان را برای خاتمه دادن به کار کودک بیان می‌کنیم:

ما کودکان باید گردهم‌آیی‌هایی را برای پاسخ دادن به سئوالات درباره‌ی مقوله‌ی کار کودک و حقوق کودکان در سطح محلی و در شهر و روستاها فراهم آوریم. ما باید کودک را در این زمینه آموزش دهیم و از حق کودکی دفاع کنیم. ما باید یک پارلمان کودک در هر کشور به وجود بیاوریم که نه تنها جنبه‌ی سمبلیک دفاع از حقوق کودکان را داشته

باشد، بلکه بر تغییر موقعیت آنها - که فکر می‌کنیم بسیار نامناسب است - تاثیر مستقیم بگذارد. در این پارلمان‌ها یک نماینده هم می‌تواند از طرف دولت آن کشور حضور داشته باشد. نمایندگان این پارلمان‌ها می‌توانند در سطح ملی و فرا ملی در کنگره‌های بین المللی حضور به هم رسانده، به بررسی مشکلات و قوانین پرداخته، گزارش آن را به دولت‌ها و افکار عمومی در سطح کشوری و فراکشوری اطلاع دهند. ما باید شبکه‌ای از کودکان تشکیل دهیم، تا بتوانیم



گزارش کنگره‌ی جهانی کار کودک، فلورانس ایتالیا،

شاپور شاهین پور

بنی آدم اعضای یک پیکرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
تو کز محنت دیگران بی غمی
که در آفرینش ز یک گوهرند
دگر عضوها را نماند قرار
نشایدکه نامت نهند آدمی (سعدی)

جهانی کودکان کارگر برگزار شد. این کنگره ابتدا به ساکن نبود و ادامه‌ی حرکت «گلوبال مارش»، رژه‌ی جهانی کودکان کارگر علیه کار بردگی که در ماه ژانویه ۱۹۹۷ از دهلی هندوستان شروع شد، می‌باشد. حرکت «گلوبال مارش» در کشورهای دیگری هم آغاز گردیده بود. در سال ۱۹۹۸، ۳۰۰ کودک نماینده‌ی ۲۵۰ میلیون کودک کارگر سراسر جهان در مجموع ۸۰ هزار کیلومتر راه پیمایی نمودند و در محل اجلاس سالیانه «سازمان جهانی کار» گرد آمدند و متن پیمان نامه‌ی ممنوعیت کار پر مخاطره‌ی کودکان را به این اجلاس اراه کردند. سال بعد (از ۲۸ مای تا ۴ ژوئن ۱۹۹۹) شانزده کودک به نمایندگی از طرف ۳۰۰ کودک کارگر شرکت کننده در سال ۱۹۹۸، با حضور گرم شان شاهد تصویب این کنوانسیون که به قطع نامه ۱۸۲ «سازمان جهانی کار» مشهور شده، بودند.

سومین گردهم آیی مهم کودکان، حضورشان در اجلاس سالیانه سازمان ملل متحد و کمیته‌ی حقوق کودکان این سازمان در ماه مه سال ۲۰۰۲ بود. کودکان با شعار «ما قول می‌دهیم که حقوق کودکان را پاسداری نماییم»، در این اجلاس شرکت نمودند. و حضورشان تاثیر مستقیم و بسزایی در تصمیم گیری‌ها درباره‌ی روند ممنوعیت کار کودک، تعاریف و تبیین‌های آن و استراتژی این حرکت و تاکتیک‌های اتخاذ شده داشت. برگزاری کنگره‌ی جهانی کودکان کارگر و ایجاد شبکه‌ای بین المللی از این کودکان از جمله تصمیم گیری‌های این اجلاس بود.

کنگره‌ی جهانی کار کودک در فلورانس ایتالیا،

دهم تا سیزدهم ماه مه ۲۰۰۴

تعداد شرکت کنندگان در این کنگره (از کودکان کارگر تا

کار کودک یکی از گسترده‌ترین و پنهانی‌ترین معضلات جهان معاصر می‌باشد. تا چندی پیش سخن گفتن از کار کودک ممنوع بود. آن هم در اشکال سخت و پر مخاطره، از بردگی قرض گرفته تا سرفی، از کار در معادن تا کار در کارخانه‌های صنعتی، نه تنها به وسیله‌ی قانونی نانوخته ممنوع بود، بلکه در صورت بیان نیز کتمان می‌شد و امکان راه یابی آن به مطبوعات و اطلاع رسانی به افکار عمومی و یا سایر وسایل ارتباط جمعی از آن سلب می‌گردید. برای اولین بار در سال ۱۹۹۵، کودک کارگر دوازده ساله‌ی پاکستانی به نام اقبال مسیح که در سن پنج سالگی توسط بنیان گذار جبهه‌ی رهائی بخش کودکان از کار بردگی در پاکستان (BLLF)، احسان الله خان، آزاد گردیده بود، با سفرش به اروپا و آمریکا و بیان صریح و قاطع اش در سطح وسیعی پرده از این جنایت هولناک برداشت و افکار عمومی جهانی را به خود و به کار کودکان معطوف نمود.

«کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد بین المللی» در همین اوان کار کودک را پوشیده‌ترین راز دنیا اعلام نمود. قتل اقبال به دست مافیای کارخانه داران، که متعاقب سفر موفقیت آمیزش به اروپا و آمریکا، در پاکستان صورت گرفت، خود موجب اعتراضات و افشاگری‌هایی شد و آغازی بر برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و حرکت‌های اعتراضی گوناگونی گردید و جنبش لغو کار کودک و دفاع از حقوق کودکان را به جنبشی شناخته شده در ابعاد اجتماعی تبدیل نمود.

اقبال گفته بود «قلم باید در دست کودکان باشد نه ابزار کار». و در مقابل سؤال خبرنگاری که از وی پرسیده بود: آیا واهمه نداری از حرف‌هایی که می‌زنی؟ با قاطعیت پاسخ داد: «آنها از من می‌ترسند نه من از آنها». امروز در آستانه دهمین سال مرگ دلخراش او، اولین کنگره‌ی

و مشکلات این کودکان حل نگردد، و هم چنان مرتب به آن‌ها و حقوق شان تجاوز شود، از ورود و شرکت آنان در این گونه کنگره‌ها به بهانه‌های گوناگون جلوگیری گردد، و آنان خود را سر خورده و شکست خورده حس کنند، آن‌گاه می‌توانند برای نه تنها دولت ایتالیا، که برای تمامی دولت‌ها خطرناک گردند. آن موقع است که حتا گروه‌های افراطی هم به جذب این نیروها پرداخته و از نیرو و پتانسیل آنان برای اهداف خود سوء استفاده خواهند کرد.

کودکی که خود را جزیی از جامعه‌اش نداند، کودکی که سهمی از ثروت موجود در کشورش و جهان نداشته باشد، ثروتی که در ایجاد آن خود این کودکان سهم بسزایی داشته‌اند، کودکی که از سن سه چهار سالگی مجبور به کار کردن باشد، کودکی که کتک می‌خورد، کودکی که شکم سیر ندارد، کودکی که سواد خواندن و نوشتن ندارد، کودکی که ربوده می‌شود تا از فروش قلب و ریه و کلیه‌اش جیب باندهای مافیایی و پزشکی پر شود، همین کودک می‌تواند زنگ خطری برای دولت‌ها و کشورها باشد، زیرا که این کودک همه چیزش را باخته است، و چیز دیگری برای باختن ندارد جز زنجیر استثماری که بر دست و پای او سنگینی می‌کند. پس اگر دولت ایتالیا و سایر دولت‌ها خواهان حل مسالهی کار و حقوق کودکان هستند، باید آن‌ها را جدی گرفته و به خواست‌های آن‌ها احترام بگذارند و این حق را به آن‌ها بدهند، تا در این گونه کنگره‌ها و اجلاس‌ها و راه پیمایی‌ها شرکت کنند و حرف شان را بزنند.

با توجه به رفتار دولت ایتالیا، هنگامی که نماینده‌ی این دولت در کنگره، که ضمناً وزیر رفاه ایتالیا نیز بود، قصد داشت سخنانی را درباره‌ی کودکان و وضعیت حقوقی آنان بیان کند، چنان از طرف حضار مورد تمسخر و اعتراض قرار گرفت که بیش از چند کلمه نتوانست صحبت کند و در نهایت مجبور به ترک سالن شد.

قرار بر این بود که در این کنگره ۳۰۰ کودک کارگر شرکت کنند، اما با مشکلاتی که دولت ایتالیا برای اخذ ویزای ۲۵۰ کودک پیش آورد، تعداد کل کودکان کارگر به ۲۵ نفر تقلیل یافت. و کنگره که قرار بود که از دهم تا شانزدهم ماه مه برگزار شود، دهم تا سیزدهم اجلاس داشت.

۳۰۰ کودک و نوجوان بین ۱۳ تا ۱۷ ساله نیز به نمایندگی از طرف کودکان ۵۰ کشور در این کنگره شرکت کردند. جای سایر کودکان از کشورهای دیگر در این کنگره خالی بود. بهتر آن می‌بود که از هر کشوری یک گروه به نمایندگی از طرف کودکان همان کشور در این کنگره شرکت می‌کرد. ولی از آن جایی که از لحاظ سیاسی دولت‌هایی مانند دولت

مدعوین و دست اندرکاران به حدود هزار نفر می‌رسید) که این خود مسالهای است که ما را به فکر و می‌دارد. چه بسا اگر نمایشگاهی درباره‌ی کامپیوتر یا اتومبیل یا مد تشکیل می‌شد، چندین هزار نفر در آن شرکت می‌کردند و حتا حاضر به پرداخت ورودی‌های کلان آن هم بودند. ولی در مورد کودکان و حقوق و مشکلات آنان مثل این که هنوز آن حساسیت لازم وجود ندارد. گویا مسالهی کار کودکان و حقوق و مشکلات آنان هنوز نمی‌تواند مردم و مطبوعات را به کار و فعالیت وادارد. کودکان ضعیف‌ترین عضو جامعه‌ی بشری هستند. آن‌ها خود نمی‌توانند از حقوق شان دفاع کنند، زیرا که هنوز حقوقی ندارند. برای دفاع از کودکان به همکاری بزرگ سالان نیاز است. و برخی از همین بزرگ سالان نیز بیش‌ترین جنایات را درباره‌ی کودکان مرتکب می‌شوند. کودکان جدی گرفته نمی‌شوند. به حق و حقوق آنان تعرض می‌گردد و خود آنان مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند. کودکان در بسیاری موارد به قتل می‌رسند و یا با اعضای بدن آنان تجارت می‌شود. کار سخت و مشقت بار این کودکان در کارگاه‌ها و در کارخانه‌های تولیدی و صنعتی و دست مزد کمی که به آن‌ها پرداخت می‌شود، و وضعیت حقوقی و قضایی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کودکان جهان، لکه‌ی ننگی است بر پیکر بشریت.

ولی چه باید کرد؟ آیا تشکیل این کنگره‌ها و راه پیمایی‌ها و نوشتن مقالات و کتب و ساختن فیلم و اسلاید درباره‌ی کودکان و حقوق آن‌ها می‌تواند ما را به سر منزل مقصد برساند؟ آیا باید به همین بسنده کرد؟ و تا تشکیل کنگره‌ی دیگر و راه پیمایی دیگر دست روی دست گذاشته و منتظر ماند؟ نه، این کافی نیست، گرچه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. هر کدام از ما بزرگ سالان، یک به یک، باید در مورد کودکان و حقوق آن‌ها حساس باشیم. و با آگاهی‌هایی که در سطح جامعه می‌پراکنیم، افکار عمومی را متوجه اهمیت این مساله بنماییم.

دولت ایتالیا از صدور ویزا به ۲۵۰ کودک که قرار بود در این کنگره شرکت کنند و گویا ۷۵ درصد کودکان کارگر را نمایندگی می‌کردند، خودداری کرد. با این بهانه که حضور این کودکان در این کنگره می‌تواند برای کشور و دولت ایتالیا خطرناک باشد! و آن‌ها حاضر نیستند این «ریسک!» را بپذیرند! باید از دولت ایتالیا پرسید که بجهت ۱۳-۱۴ ساله‌ای که احتمالاً از چهار و پنج سالگی در کارگاهی کار می‌کند، تا بتواند شکم خود و خانواده‌اش را سیر کند، بچه‌ای که سرپناهی ندارد، حق و حقوقی ندارد. چه «خطری» برای کشور ایتالیا می‌تواند داشته باشد؟ اما روشن است که اگر مسایل

کشورهایی مانند تبت و یمن و بنگلادش و... نیز در این کنگره شرکت کرده بودند و حق داشتند که بدانند نمایندگان «یونیسف» و... یا وزاری مانند وزیر کار کشور کوستاریکا یا خانم سولنی هامور وزیر آموزش و پرورش برزیل چه نظراتی را عنوان می‌کنند، چه حرف‌هایی در این کنگره به زبان آورده شد، و چه تصمیماتی اتخاذ گشت، ولی برای آن‌ها مترجمی وجود نداشت. نماینده‌ی کشور ژاپن در کنگره، مترجمی به همراه داشت که تمام مباحث و سخنان مسئولان و شرکت کنندگان را برایش ترجمه می‌کرد. همین شیوه را می‌شد برای نمایندگان سایر کشورها اجرا کرد، تا این کودکان رنج دیده که رنج سفر را به جان خریده و از هفت خوان گذر کردند تا به ایتالیا برسند، لااقل از این سفر دست خالی باز نگردند.

کنفرانس مطبوعاتی

روز دوشنبه ده مه، کنفرانس مطبوعاتی‌ای که در آن ژورنالیست‌های مجلات و روزنامه‌های مشهور دنیا مانند «نیوزویک»، «تایمز»، «اشپیکل»، «لوموند اکونومیک» و... به اضافه‌ی رادیو و تلویزیون ایتالیا شرکت داشتند، دبیر «گلوبال مارش» و چندین کودک نماینده به سخنرانی پرداختند. کای لایش ساتیراتی، دبیر «گلوبال مارش»، در سخنانی که در این جلسه عنوان کرد، از جمله گفت:

«این کنگره مهم است، چه از زاویه‌ی گلوبال مارش و چه از دید سازمان‌هایی که در این حرکت دخیل بوده‌اند. کودکان تمام جهان کار می‌کنند، جالب این که نمایندگان کارخانه‌های بزرگ و تمامی نهادهایی که خودشان به نوعی در به کار کشیدن کودکان دست دارند، این جا حضور دارند. همین طور سازمان‌های غیر دولتی NGO، فعالین جنبش لغو کار کودک، وزرا، اتحادیه‌های کارگری، و خبرنگاران. این یک عذر پذیرفته شده نیست که سازمان جهانی کار در طول بیست سال گذشته از وجود کار کودک خبر داشته و اقدامی در این باره نکرده است. یک برنامه‌ی دو گانه‌ی تعلیم و تربیت از طرف سازمان جهانی کار پیگیری می‌شود، که کافی نیست و فقط هفت میلیون کودک را تحت پوشش قرار می‌دهد. یازده میلیارد دلار برای خرج تحصیل تمامی کودکان جهان کافی است و این چیزی معادل دو روز خرج ارتش در سراسر جهان و یک پانزدهم هزینه‌ی است که در آمریکا صرف توتون و در اروپا صرف لوازم آرایش می‌شود. لغو کار کودک و تحصیل اجباری و رایگان، امری شدنی و ممکن و این جهانی است و کار کودک بی درنگ باید متوقف گردد.

ما می‌توانیم با هم کار کنیم و به این امر مهم بپردازیم.» رئیس آموزش و پرورش شهر فلورانس ضمن خوش آمدگویی به حرکت «گلوبال مارش» و اتحادیه‌های کارگری، به کای لایش

ایتالیا، خواستار حل مشکلات کودکان و نوجوانان نیستند، و طبعاً برای این گروه (کودکان و جوانان) ارزش و اعتباری نیز قایل نمی‌باشند، لذا به طرق مختلف سعی می‌کنند تا خللی در کار آن‌ها و برنامه‌های‌شان ایجاد نمایند و عنوان کردن مسایل امنیتی نیز بهانه‌ای به همین منظور است.

اعتراض به شرکت کنندگان و مسئولان

در روز دوم کنگره، نمایندگان «بانک جهانی»، «سازمان جهانی کار»، «یونیسف»، «یونسکو»، و وزرای کشورهای نپال، موزامبیک، برزیل و کوستاریکا، و نماینده‌ی «کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی» و اتحادیه‌های کارگری، در میزگردی شرکت کردند. با وجودی که هر کدام از شرکت کنندگان در این میزگرد بیش از ده دقیقه وقت برای ایراد نظرات خود نداشتند (زیرا که تعداد این شرکت کنندگان دوازده نفر بود و با احتساب ده دقیقه وقت برای هر نفر جمعاً به دوازده دقیقه وقت نیاز می‌بود)، شرکت کنندگان در این میزگرد چنان خود را شیفته و واله و شیدای کودکان نشان دادند که این میزگرد به درازا کشید و قسمتی از برنامه‌ی کودکان به همین دلیل لغو گردید. کودکانی که با مشکلات زیاد، از تهیه‌ی ویزا گرفته تا خرج سفر، به کنگره آمده بودند، تا درباره‌ی مسایل شان صحبت کنند، وقت شان از طرف وزرا و وکلایی که مشغله‌ای جز صحبت کردن و قول دادن و عمل نکردن ندارند، گرفته شد. و همین مساله باعث گشت که در جلسه سر و صدایی ایجاد شود. تعدادی از شرکت کنندگان با صدای بلند و داد و فریاد خواستار آن شدند، تا رئیس جلسه از زیاده‌گویی سخنرانان جلوگیری به عمل آورد. کلا در طی کنگره با وجودی که نمایندگان موسسات و سازمان‌های بین‌المللی چندی مانند «بانک جهانی»، «سازمان جهانی کار»، «یونیسف» و وزرای کشورهای مختلف حضور داشتند، جو کنگره اعتراض آمیز نبود، گرچه بوی اعتراض گاهی به مشام می‌رسید. گاهی افراد با صدای بلند حرف زده و سعی در این داشتند که سخنگویی را به سکوت وادارند و با بلند کردن صدا از حقوق شان دفاع کرده و از شیوه‌ی عمل شرکت‌های چندملیتی و موسسات اسلحه‌سازی انتقاد کنند.

ترجمه در کنگره

مسالهی دیگر، مسالهی زبان است و ترجمه در کنگره. از آن جایی که این کنگره در ایتالیا برگزار می‌شد، طبعاً زبان ایتالیایی، زبان غالب بود. ولی بیشتر مباحث به زبان انگلیسی صورت می‌گرفت و به صورت هم‌زمان به زبان‌های ایتالیایی، فرانسوی و پرتغالی و اسپانیایی هم ترجمه می‌شد. شرکت کنندگان از

نماینده‌ی کودکان آمریکا

من ساندار شانزده ساله‌ام و در آمریکا زندگی می‌کنم. الان مشغول تحصیلم. نه ساله بودم که کار را شروع کردم. از ساعت پنج صبح تا دوازده ظهر و از یک تا شش بعدازظهر کار می‌کردیم. ما همیشه خسته بودیم و بارها و بارها دچار مار گزیدگی یا عقرب گزیدگی می‌شدیم. مزارع سم پاشی شده‌ی پنبه در آمریکا به جسم و روح بسیاری از کودکان همکار من آسیب‌های جدی وارد آورده است.

سینگو از پاکستان

من برای شرکت کنندگان در کنگره و مردم جهان، از طرف کودکانی که نماینده‌ی شان هستیم، یک پیام دارم: «ما کودکان باید از کار آزاد شویم»، به همین دلیل علیه کار کودک مبارزه می‌کنیم، برای درس خواندن و کار نکردن. تدریس باید از کیفیت بالا برخوردار باشد. بچه‌های پولدار به مدارس گران قیمت و با امکانات بالا می‌روند. بچه‌های دولت مردان و بوروکرات‌ها هم همین طور. اما مدرسه‌های ما فاقد هر چیزی هستند. بچه‌هایی که این جا گرد آمده‌اند می‌گویند کار کودک نباید مسالهی کودکان باشد. این جامعه بزرگ سالان است که مسئولیت این امر را بدوش دارد. ما و کیلاش علیه کار کودک مبارزه می‌کنیم. من پنج سال در یک کارخانه شکلات سازی کار می‌کردم، ولی هرگز خودم یک تکه شکلات نخوردم. من الان برای بچه‌هایی که در شرایط خودم هستند کار می‌کنم. و البته هنوز شاغلم.

نماینده‌ی کودکان بنگلادش

مهم این است که کودکان باید حق استفاده از تحصیلات رایگان را داشته باشند. من از کودکی در کارخانه‌ی فرش بافی کار می‌کردم، مانند هزاران کودک دیگر مثل خودم. وقتی کار می‌کردیم، نه به ما غذا می‌دادند و نه پول. احساس یک اسیر را داشتیم و آروزی آزادی و مدرسه رفتن را.

نماینده‌ی کودکان ایران و خاورمیانه

از ایران هم نوجوان دوازده ساله‌ای به نام علی رضا در این کنگره شرکت کرده بود. وی که خود را نماینده‌ی خاورمیانه معرفی می‌کرد، نوجوانی از طبقه‌ی مرفه جامعه‌ی ایران بود. پدر وی شیمیست و مادرش استاد دانشگاه بود. خود این نوجوان هم بر خلاف سایر کودکانی که از آفریقا و آمریکای جنوبی در این کنگره شرکت کردند، جزو کودکان کارگر نبود و طبعاً نمی‌توانست خواست‌ها و مشکلات این کودکان را آن طور که باید و شاید درک کرده و به دفاع از حقوق آنان بپردازد. کنگره‌ی جهانی کار کودکان در فلورانس، علی‌رغم کمبودهایش،

ساتیراتی به خاطر فعالیت‌هایش در امر ممنوعیت کار کودک تبریک گفت و وی را انسانی که برای صلح کار می‌کند، معرفی نمود، وی اضافه کرد که هزار کودک دبستانی فلورانس در روز سیزدهم ماه مه با بچه‌های «گلوبال مارش» راه پیمائی خواهند کرد.

نماینده‌ی کودکان آفریقایی

من الان پانزده ساله هستم. وقتی که هشت ساله بودم در کارخانه کار می‌کردم، ما باید اشغال‌های تمام شهر را از بیمارستان‌ها و کارخانه‌ها جمع می‌کردیم. این کار بسیار خطرناک بود. ما وظیفه داشتیم از توی اشغال‌ها دنبال چیزهای به درد بخور، که سهوا قاطی زباله شده بودند، بگردیم. گاهی چیزی پیدا می‌کردیم که خودمان آن را به فروش می‌رساندیم. یک روز که به خانه باز می‌گشتم کاغذی را دیدم که در آن نوشته شده بود، در شهر ما مدرسه‌ای برای کودکان کارگر تشکیل شده است. به آن جی. اوی مربوطه مراجعه کردم. الان من مشغول یاد گرفتن هستیم، می‌خوانم، می‌نویسم، و معلم به من موسیقی هم درس می‌دهد. ما بچه‌ها از روزی که به این مدرسه می‌رویم حال مان بسیار بهتر است. در تعطیلات کریسمس برنامه‌های ویژه‌ای برای گزارش دادن از وضعیت کودکان کارگر و تشویق هم سرنوشتان مان برای ترک کار و به مدرسه آمدن ترتیب می‌دهیم. ما صد بچه‌ایم و دو مدرسه داریم. اما بیمارستان نداریم و برای داشتن مدرسه‌های بهتر و بیشتر و بیمارستان مبارزه می‌کنیم.

نماینده‌ی بچه‌های نپال، ویتنام و سنگاپور

من هفده ساله‌ام و کارگر کشتی‌ام. کار کردن در کشتی خیلی سخت است و از ساعت شش صبح تا آخر شب باید کار کنیم. بعضی اوقات برای جمع کردن تور ماهیگیری بسیار منتظر می‌مانیم. ما بچه‌های ماهیگیر بعضاً به فروش مواد مخدر دست می‌زنیم و خودمان هم از مواد مخدر استفاده می‌کنیم، تا بتوانیم کار کنیم. بچه‌هایی که احساس خستگی می‌کنند، وادار می‌شوند که دوباره کار را از سر بگیرند. به عنوان کودک، قربانی تمامی این چیزها هستیم و کسی هم به ما کمک نمی‌کند. من فکر می‌کنم که ما بچه‌ها انسانیم و باید حق زندگی و آموزش داشته باشیم. اغلب ناامید هستیم. نگاه به ما بچه‌ها، نگاه خرد و حقیر است. کودکان خدمت کار از صبح تا شب از این خانه به آن خانه می‌روند و سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند. من خوشحالم که این جا با گلوبال مارش هستم و امیدوارم که تمامی بچه‌های جهان از طرف مردم به رسمیت شناخته شوند و برای آنان فعالیتی صورت بگیرد.

«جمعیت الغای کار کودکان در ایران»

اهداف:

«جمعیت الغای کار کودکان در ایران»، تشکلی بین المللی است که ممنوعیت کار کودک و مبارزه علیه بردگی مزدی کودکان را در دستور خود قرار داده است. «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» بسته به توان خود به کمپین‌های دفاع از حقوق کودکان و تشکل‌های مبارزه علیه کار کودکان در سطح بین المللی یاری رسانده و در فراخوان‌های آنان (کمپین‌های ممنوعیت کار کودک، علیه استثمار جنسی و تجارت سکس کودکان، علیه سربازگیری از کودکان) شرکت خواهد نمود و تمامی نهادها و تشکل‌های کودکان را بنوبه خود برای شرکت در فعالیت‌ها و کمپین‌های خود فرا می‌خواند. «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» کمک به پیشبرد این مبارزه بین‌المللی در ایران را وظیفه بلاواسطه خود می‌داند.

مطالبات:

مطالبات اساسی و موضوع کار «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» عبارتند از:

- * ممنوعیت به کارگیری و استثمار کودکان، و تامین تحصیلات سکولار، اجباری، رایگان و مدرن برای کودکان زیر ۱۸ سال (منطبق با تعریف کودک در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک) توسط دولت؛
- * تضمین حقوق قانونی و شهروندی مطابق با استانداردهای جوامع پیشرفته و مدرن برای کلیه کودکان؛
- * قانونی و به رسمیت شناخته شدن نهادهای دفاع از حقوق کودکان از طرف مراجع دولتی و قضائی در ایران؛
- * انجام فعالیت ویژه‌ای علیه استثمار دوگانه دختر بیچه‌ها و رفع معضلات زنان کارگر و ممنوعیت کار دختر و تغییر قوانین به نفع کودکان؛
- * ممنوعیت سوءاستفاده جنسی از کودکان در خانواده، در صنعت و تجارت سکس و پورنوگرافی، مجازات سازمان دهندگان و استفاده کنندگان از این گونه فعالیت‌های ضدبشری؛
- * به رسمیت شناخته شدن هویت انسانی و صدور شناسنامه برای کلیه کودکان متولد در خارج از دایره ازدواج رسمی و شرعی؛
- * بررسی و رفع مشکلات کودکان بی سرپرست، خانواده‌های تک والدینی و طلاق گرفته؛
- * کمک به کودکان جنگ زده و کودکانی که در شرایط دشوار استثنائی بسر می‌برند؛

* * *

از یک جنبه‌ی بسیار قوی برخوردار بود: نمایندگی یک جنبش هر چند جوان، اما زنده و پر تحرک و بر حق. این درست است که امر کودکان باید اساساً توسط بزرگ‌ترها و جامعه دنبال شود، اما حضور کودکان - حتی اگر با بیان صریح و حق طلبانه‌ی شان از میزگرد بزرگ‌ترها با شیوایی و صداقت ذاتی کودکانه بازخواست هم نمی‌کردند - گواه واقعیتی ناگوار، یعنی کار کودک بود که خود از حقیقت بی حقوقی اکثریت مردم این جهان نابرابریه نفع اقلیتی استثمار کننده، سرچشمه می‌گیرد.

این کنگره، علی‌رغم تلاش‌های زیاد برای از بالا جلوه دادن این حرکت، مهر یک جنبش مردمی را بر خود داشت. خواسته‌هایش نسبت به «گلوبال مارش» در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ کنکرت‌تر، روشن‌تر و طبقاتی‌تر بود. جایگزین شدن منع کار پر مخاطره‌ی کودکان با لغو کار کودک، تبیین تحصیل اجباری با کیفیت بالا برای تمامی کودکان جهان، جدا از جنسیت و نژاد و مذهب و... شدنی، این جهانی و ممکن بودن لغو کار کودک، در استدلال‌های نمایندگان کودکان و دبیر «گلوبال مارش»، در فضایی که همه به کم قانع‌اند و جامعه‌ی سرمایه داری ناامیدی و صبر را فلسفه و چاشنی زندگی انسان نموده است، تعریف «ما کودکان حالیم و صدای ما آینده است»، در تقابل با «کودکان سرمایه‌های فردا»، که شعار جامعه‌ی سرمایه داری است، از نقاط مهم و اصلی این کنگره بودند. حضور بیشتر فعالین و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری در پی تلاش‌های مداوم «گلوبال مارش» و تکیه بر کار کودک به عنوان عامل فقر بیشتر خانواده‌های کارگری و کار ارزان کودک آلترناتیو بیکاری کارگران بزرگ سال است نیز یکی از نکات در خور توجه کنگره بود.

ادامه از صفحه‌ی ۱۶

کنند، برای این که کار خوب، شرایط زیستی خوب، و سلامتی بیشتر برای کارگران بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین امکان و کمک به لغو کار کودک است. اگر کارگران تشکل داشته باشند، اتحاد داشته باشند، محدودنگر نباشند، از حقوق کافی برخوردار باشند، بچه‌های شان را به مدرسه می‌فرستند، نه بر سر کار. برای همین هم دفاع از حقوق کارگران برای جنبش لغو کار کودک بسیار مهم است و اتحاد جنبش کارگری در سرنوشت جنبش لغو کار کودک تاثیر بسزایی دارد.

— موافقی که بگوئیم کنگره‌ی مان موفق آمیز بود؟

— بعله!

(توضیح: کای لایش ساتیراتی، دبیر «گلوبال مارش» است.)

سوسن بهار

افکنده است، اما برای دیگران و دیگران به کابوس و بختکی بدل شده است.

این سوء قصد یک بار دیگر رویارویی منافع سرمایه داران را با کارگران و محرومان به وضوح و روشنی نشان داد. و در



عین حال، خطیر بودن امر مبارزه برای حقوق کودکان و جنبش لغو کار کودک را خاطر نشان ساخت. این جنبش به کمک تمامی انسان‌های شریف و آزاده نیازمند است، تا بتواند به رشد زیبایش ادامه دهد. مصونیت قانونی و حفظ جان فعالان و دست اندرکاران حقوق کودک، یکی از مهم‌ترین خواسته‌ها و یک بند اساسنامه‌ای «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» است. برای حفظ جان کای لایش ساتیراتی، با ما هم صدا شوید. نامه‌های اعتراضی‌تان، یا نامه‌های اعتراضی ما، را برای سفارت هندوستان در کشور محل سکونت خود ارسال نمایید. نباید اجازه داد به سر «کای لایش» آنچه که بر سر «اقبال مسیح» آمد، بیاید. این



مهم می‌تواند به همت همه‌ی دوستداران کودکان میسر گردد.

سوسن بهار

دبیر «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»

۱۶ ژوئن ۲۰۰۴

سوء قصد به جان «کای لایش ساتیراتی» دبیر گلوبال مارش، «رژه‌ی جهانی علیه کار کودک»

دوست و همکار عزیزم، همراه و راهنمای همه‌ی کودکان جهان، «کای لایش ساتیراتی» دبیر حرکت گلوبال مارش، «رژه‌ی جهانی علیه کار کودکان»، روز سه شنبه ۱۵ ژوئن، در حالی که به همراه برخی از والدین کودکان برای نجات گروهی از کودکان زیر ۱۴ سال که در سیرک بزرگ هندوستان در وضعیتی شبیه بردگی به کار مشغول بودند به محل این سیرک رفته بود، در حین یک گفتگوی آرام از طرف وی و پرخاش گرانه از طرف مدیر سیرک، مورد اصابت گلوله‌ای که از طرف مدیر سیرک برای گرفتن جان او و صدای حق طلبانه و گرمش شلیک شد، قرار گرفت.

جنبش لغو کار کودکان بخش مهمی از توانش را مدیون



فعالیت بی وقفه‌ی انسانی چون «کای لایش» و دیگر همکاران او است. سوء قصد به جان «کای لایش» در حالی اتفاق می‌افتد که جنبش لغو کار کودکان، با برگزاری اولین کنگره‌ی جهانی‌اش یک قدم اساسی و رو به جلو برداشته است. متعاقب و متأثر از این کنگره، اجلاس سالیانه‌ی سازمان جهانی کار طی نشست‌های با اتحادیه‌های کارگری و دولت‌ها، روز ۱۲ ژوئن را روز جهانی علیه کار کودک اعلام نموده است، که خود نشانه‌ی این قدم رو به جلو و یک پیروزی برای این جنبش زنده و جوان است. شش سال پیش که این جنبش اولین قدم‌های کوچک و لرزان و کودکانه‌اش را برمی‌داشت، با سدی از ممانعت در برابر افشای راز کار کودکان و بردگی آنان در گوشه و کنار جهان مواجه بود. امروز قدم‌های محکم جوانان این جنبش در طی راهی بس دشوار به نفع هم سرنوشت تان شان، گرچه جهانیان را متوجه خود کرده است و شور و شادی را در دل من و شما طنین

— خسته نباشی احسان، نظرت را درباره‌ی کنگره بگو؟
— کنگره بسیار موفقیت آمیز بود.

— سلام کلایش جان، فقط دو سؤال.
— سلام دوست من، هر چند سؤالی که داری بکن.

— جنبش ما در چه حال بود؟

— منظور من هم همان جنبش است که موفق بود. من فکر می‌کنم که کودکان در طول کنگره بسیار قوی و سازمان یافته بودند. آن‌ها معترض بودند، صدای شان رسا بود، موقعیت شان را نشان دادند. نشان دادند که روحیه‌ی هم کاری شان بالاست، خواهر و برادرند، و مبارزه علیه کار کودک امکان پذیر است. و تفرقه مسالهی کودکان نیست. نشان دادند که مسایل و خواسته های شان مشترک است. کودکان از شرق تا غرب، خواسته های مشترکی داشتند.

— می‌دانی که من به تو خیلی احترام می‌گذارم و تو را دوست دارم؟
— من هم همین طور و خرسندم که تو را خوشحال و خندان می‌بینم.

— فکر می کنی که جنبش «گلوبال مارش» هم چنان زنده و پر تحرک است؟ در اولین روز کنگره وقتی به سخنان نمایندگان دولت‌ها و سازمان‌های دولتی گوش دادم، حس خوبی نداشتم و دلم لرزید که نکند این جنبش دارد به زیر چتر دولت‌ها و سیاست‌های آنان می‌رود. اما بعد که بچه ها صحبت‌های شان را شروع کردند، فکر کردم که این جنبش هنوز زنده است و پر توان. ارزیابی تو چیست؟



— خودت هم می‌دانی که از بین بردن و لغو کار کودک هم سابقه‌ای طولانی دارد و هم به زمان نیازمند است. ما باید این مقوله را بسط دهیم، بر روی آن عمیق شویم، راه های قانونی بیان و پیگیری آن را بیابیم. راه باز کنیم و به جلو برویم. در این راه باید با سیاست مداران، دولت مردان،

من فکر می‌کنم از پس این امتحان شان با موفقیت بر آمدند. اتحادشان و هم بستگی‌شان بی نظیر بود. «گلوبال مارش» سازمانی متشکل از ۲ هزار سازمان است و در ۱۴۴ کشور موجود است. همه در این سازمان بزرگ بر سر این نکته توافق دارند که لغو کار کودک و جایگزینی‌اش با تحصیل تنها راه دستیابی به حقوق کودک است. چیزی برای سازش و عقب نشینی بر سر این دو خواست وجود ندارد. آموزش و تحصیل، یک باید است.

و صاحبان صنایع حتا به بحث و گفتگو و جدل بنشینیم. کودکان باید می‌توانستند حق بیان خواسته های شان را مستقیما رو به دنیای بزرگ ترها پیدا می‌کردند و این کاری بود که ما کردیم. و این خیلی مهم بود. از همه چیز مهمتر این بود که شریک شدن با کودکان در امر مبارزه برای لغو کار کودک آسان نیست، ولی ما این کار را کردیم و هیچ دولتی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد.

— در این باره که من فکر می‌کنم و انتظار داشتم که این کنگره با یک دقیقه سکوت به یاد اقبال و به نام او برگزار شود، نظرت چیست؟ چرا این کار را نکردند؟

— من نمی‌دانم، از ماریا رزا که مسئول برنامه ریزی کنگره در ایتالیا بوده است پرس. انتخابات برای کمیته ی تدارک، دموکراتیک بوده و آن‌ها تصمیم گرفته‌اند. (ماریا رزا به این سؤال جوابی نداد.)

— درباره‌ی جنبش کارگری و جنبش لغو کار کودک نظرت چیست؟
— جنبش کارگری و جنبش لغو کار کودک باید دست در دست هم کار

توضیح: احسان الله خان، بنیان گذار «جبهه‌ی رهایی بخش کودکان از کار بردگی در پاکستان» و مسئول «گلوبال مارش» در سوئد است.

بقیه در صفحه‌ی ۱۴

Darvag Journal for Children and youth

Editor: Susan Bahar

Address: Darvag

Box 854

101 37 Stockholm - Sweden

www.darvag.com

Email: susanbahar@hotmail.com

Mobil: (046) 76- 204 29 89

Postgiro: 923 19 14 - 4